

ماجرای فالوستریک احمد: خوانشی روان‌کاوانه از کتاب داستانی تصویری ماجرای

احمد و ساعت

امین ایزدپناه^۱

چکیده

هدف این مقاله ارائه خوانشی روان‌کاوانه از کتاب تصویری ماجرای احمد و ساعت، مبتنی بر نظریه رشد روانی جنسی زیگموند فروید است. خوانش متن اثر به مدد روان‌کاوی کلاسیک، نمادها و شواهدی را پیش چشم می‌آورند که نشان می‌دهند با اثری نر‌آندام‌محور روبه‌رویم که در آن روند مطلوب اجتماعی و بهنجار شدن یک پسر بچه بازنمایی شده است. احمد، شخصیت اصلی داستان، در مرحله آلتی یا فالیک رشد خود قرار دارد ولی زمان آن رسیده که تعارض‌های اودیپی‌اش حل و فصل شوند و با پذیرش اقتدار پدر آماده ورود به مرحله نهفتگی رشد روانی جنسی‌اش شود. اعتبار و کارکرد زمان و ضرورت پایبندی به قواعد تغییرناپذیر آن یکی دیگر از یافته‌های دیدار نظریه و متن در این اثر است. افزون بر این، خوانشی این چنین از اثر مورد بررسی نشان می‌دهد که چگونه برخی آثار ادبیات کودکان شکل خاصی از کودک خوب را ترویج کرده و همچنین تصویری از کودک مبتنی بر ارزش‌های مردم‌محور را بازتولید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: رشد روانی جنسی، روان‌کاوی کلاسیک، فروید، کتاب داستانی تصویری، ماجرای احمد و ساعت.

^۱ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز. aizadpanah@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: تاریخ پذیرش مقاله:

درآمد

رادریک مگیلیس در مقاله «نقد، نظریه ادبیات است، نظریه نقد ادبیات است» (۱۳۹۵) با تاکید بر گریزناپذیر بودن نظریه، معتقد است نظریه به ما می‌آموزد که سادگی ظاهری امور، از جمله سادگی ظاهری ادبیات کودک، ناشی از ناکافی بودن دقت نظر ما درباره آنها است. بنابراین، نقد ادبیات و ادبیات کودک نمی‌تواند بدون شالوده‌ای نظری محقق شود و به‌کاربردن نظریه خود عملی نقادانه است. او از یک‌سو یادآوری می‌کند که ادبیات کودک همانند هر نظام ارتباطی با دیگر نظام‌ها در ارتباط است و از سوی دیگر، به پیروی از پیر بوردیو، نظریه را میدانی^۱ می‌داند که به میدان‌های دیگر برای نظرافکندن و تفسیر نیاز دارد (همان، ۱۵۳). مگیلیس ضمن رازآمیز معرفی کردن ارتباط میان دانش، نظریه و عمل نقد، این رازگونه‌گی را آغاز راه کاوش و کشف دوباره می‌داند (همان، ۱۶۵). او نقد و نظریه را با کودکی هم‌بی‌ارتباط نمی‌داند و می‌گوید «ذهن نظری^۲، ذهنی آفرینش‌گر است. به تعبیری، نظریه کاوش‌گر و ماجراجو است و به مدد این ماجراجویی شبیه دنیای با نشاطی است که آن را با کودکی هم‌بسته می‌دانیم» (همان، ۱۵۰).

با این اوصاف می‌توان گفت نقد ادبیات کودک برآیند برهم‌کنش نظریه و متن ادبیات کودک است؛ یعنی هم نظریه به متن نظر می‌افکند و هم متن به نظریه. البته طبیعی است اینکه چه نظریه‌ای را برای نظر افکندن به متن برگزینیم برهم‌کنش‌های مختلفی را در پی خواهد داشت. در این نوشتار برای بررسی این برهم‌کنش متن و نظریه، نظریه روانکاوی کلاسیک فروید را برای نظرافکندن، یا بهتر بگوییم دیدار با متن ادبیات کودک، برگزیده‌ام. انتخاب این دیدگاه نظری به دو دلیل است، یکی علاقه شخصی به تحلیل‌های روانکاوانه متون و دوم اشتیاق کشف برهم‌کنشی که این دیدگاه نظری در هنگام خوانش متن برمی‌انگیزد. البته زمانی می‌توان

¹ field

² Theoretical mind

نظریه‌ای را بر مبنای کار برد که متن نیز آن را بطلد؛ یعنی به چنین تحلیلی تن دهد. روانکاوی کلاسیک از آغاز با متن ادبی پیوند داشته است و فروید را که بنیان‌گذار روان‌کاوی بود - به دلیل پژوهش‌های روان‌کاوانه‌اش در متون ادبی - به‌نوعی آغازگر نقد روان‌کاوانه نیز می‌دانند. او معتقد بود بر اثر والایش^۱، امکان پیدایش هنر، علم، ادبیات و فعالیت‌های روانی سطح بالاتر فراهم می‌شود و این یکی از ویژگی‌های بارز رشد فرهنگی است (Freud, 1961: 83). در واقع، ادبیات و دیگر هنرها، نزد فروید، ارضای خیالی^۲ تمناهایی^۳ هستند که پیش‌تر از سوی استانداردهای اجتماعی، اخلاقی و واقعیت‌ها انکار و به ناخودآگاه هنرمند واپس‌رانده شده‌اند اما فرصت یافته‌اند با صورتی تغییر یافته ارضاشوند (Abrams, 1993: 264). به همین دلیل، تحلیل روان‌کاوانه و نیز ادبیات ما را تشویق می‌کنند تا به فراتر از روساخت متن و ظاهر زبان بیندیشیم و معناهای گوناگون احتمالی‌اش را بکاویم (Rollin & West, 2008: 2).

نفوذ و اثرگذاری روان‌کاوی کلاسیک هیچ‌گاه از میان نرفته و نظریه‌های جنسیت، نظریه فمینیستی و نظریه کوئیر بازتابی از پایایی نفوذ روان‌کاوی هستند. این نظریه‌ها به دلیل میل‌شان در به‌پرسش کشیدن برساخت جنسیت بسیار به‌کار منتقدان ادبیات کودک می‌آیند. روان‌کاوی برای مدت‌ها همچون راهی بود برای توجیه وجود داستان‌های کودکانه به عنوان ابزار ترغیب کودکان به داشتن «خویشتنی مسئول»^۳ (Kidd, 2011: 16)، یا به‌عبارت دیگر راهی برای آمادگی پذیرش هنجارها و جای گرفتن در نظم اجتماعی مطلوب بزرگسالان. از جمله تلویح - های کاربرد نقد روان‌کاوانه در زمینه ادبیات کودک این است که ما همواره با کودکی درگیریم و کودکی چیزی نیست که بتوانیم رهاش کنیم یا پشت سر بگذاریم. به بیان ژاکلین رز (۱۴۰۰)

¹ Imagined fulfilment

² desire

³ responsible selfhood